

بررسی نقش عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی گامی در جهت تمرکز زدایی

حسین مؤمنی مهموئی: دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه

دکتر کورش فتحی واجارگاه: دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

این پژوهش به منظور بررسی نقش عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های شهید بهشتی و علوم پزشکی شهید بهشتی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی انجام شده است. این پژوهش به روش پیمایشی انجام شده است. گروه نمونه، ۲۸۲ عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی می‌باشند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی (جداول توزیع فراوانی، میانگین، واریانس، انحراف معیار و...) و آمار استنباطی (آزمون تک نمونه ای) صورت گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عوامل علمی، حرفه‌ای، درون سازمانی، برون سازمانی، انگیزشی بیرونی، انگیزشی درونی بر مشارکت اعضای هیأت علمی دو دانشگاه در برنامه ریزی درسی آموزش عالی تأثیر دارند. این عوامل به ترتیب اولویت عبارتند از:

دانشگاه شهید بهشتی: ۱- عوامل انگیزشی بیرونی. ۲- عوامل انگیزشی درونی. ۳- عوامل حرفه‌ای. ۴- عوامل درون سازمانی. ۵- عوامل برون سازمانی. ۶- عوامل علمی.

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی: ۱- عوامل انگیزشی درونی. ۲- عوامل انگیزشی بیرونی. ۳- عوامل درون سازمانی. ۴- عوامل حرفه‌ای. ۵- عوامل برون سازمانی. ۶- عوامل علمی.

کلید واژه‌ها: برنامه درسی، برنامه ریزی درسی آموزش عالی، مشارکت، آموزش عالی، اعضای هیأت علمی.

مقدمه

با توجه به رشد شتابان کمی آموزش عالی در ایران در طی سال‌های اخیر، زمان پرداختن به امر کیفیت و گام برداشتن در جهت ارتقای آن فرا رسیده است. لذا با توجه به افق گسترده‌ای که در امر تحقیق و توسعه فرا روی دانشمندان کشور قرار گرفته است، ضروری است نخبگان و فرهیختگان جامعه در امور تصمیم‌سازی‌ها مشارکت داده شوند و با ارایه نظرات خود امکان تعاطی افکار و اندیشه را فراهم آورند. به هر حال، تحقق توسعه همه‌جانبه و فراگیر نیازمند وجود نهادها و ساختارهای مناسب خصوصاً در نظام آموزش عالی است. حقایق موجود بیانگر آن است که نظام متمرکز آموزش عالی از کار آبی لازم برای استفاده از امکانات بالقوه و پاسخگویی به نیازهای متحول جامعه برخوردار نیست. به این ترتیب، اگر در بیست سال قبل و ابتدای انقلاب اسلامی، اداره دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی موجه جلوه می‌شد، امروزه با توجه به رشد شتابان کمی آموزش عالی و مأموریت‌های جدیدی که این نهاد به عهده دارد، اعمال سیاست تمرکز گرایانه به مثابه مانع عمده مسئولیت‌پذیری و مشارکت‌جویی است و تأثیر بسیاری بر عدم کارآیی و اثر بخشی آموزش عالی کشور دارد.

تجربه بیست سال گذشته در نظام آموزشی عالی کشور نشان داد که اگر بناست بالندگی علمی و پژوهشی وجود داشته باشد، ناگزیر اختیارات برنامه ریزی باید به دانشگاه‌هایی که از توان‌مندی لازم برخوردار هستند، تفویض شود. در ایران نیز از ابتدای سال ۱۳۷۹ (براساس برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور (۱۳۸۳-۱۳۷۹) تمرکز زدایی و نهادینه کردن فرهنگ مشارکت بین اعضای هیأت علمی در اداره دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی پیش‌بینی شده است) که اختیارات برنامه ریزی درسی آموزش عالی به دانشگاه‌ها تفویض شده است، چالش‌های بسیار جدی در زمینه برنامه درسی در دانشگاه‌ها ایجاد شده است (ساکتی ۱۳۸۱، صص ۵۳، ۵۴). یکی از این چالش‌های معاصر افزایش مشارکت و رغبت اعضای هیأت علمی به شرکت در برنامه ریزی درسی آموزش عالی است. متأسفانه به علت رغبت پایین، تغییر زیادی در برنامه‌ها اتفاق نمی‌افتد و به ندرت برنامه‌ها نوسازی می‌شوند. از این رو پژوهش حاضر درصدد شناسایی عوامل مؤثر و معرفی آنان به عنوان راهکار می‌باشد.

برنامه درسی آموزش عالی

برنامه درسی، جوهره هر نوع آموزشی است که در ترکیب با روش‌های مؤثر تدریس، کارآمدی و اثربخشی نظام آموزشی را تضمین می‌کند. از این رو تعیین ساختار بهینه نظام برنامه ریزی درسی و انتخاب سازماندهی محتوا از جمله دل مشغول‌های سیاست‌گذاران نظام‌های آموزشی بوده است. این مهم در آموزش عالی اهمیتی مضاف می‌یابد، زیرا برنامه درسی در آموزش عالی ابزار علمی و اجتماعی نیرومندی است که ضمن ترسیم چگونگی و حدود انتقال دانش و مهارت‌ها تجربه وسیع علمی برای دانشجویان محسوب می‌شود (سرمد و وزیری، ۱۳۷۶-۱۳۷۷، صص ۱۶۵-۱۵۱). با این همه تعریف، استاندارد از برنامه درسی آموزش عالی وجود ندارد (استارک، لاوتر ۱۹۸۶، وود دیویس ۱۹۷۸) و همچنین برنامه درسی آموزش عالی واحدی وجود ندارد (لوی ۱۹۷۸، رادلف ۱۹۷۷) حتی در درون مؤسساتی که برنامه‌های درسی تجویز شده دارند (جف ۱۹۹۶، ص ۶۶۱). جی بی لون به نقل از رادولف (۱۹۹۱) در تعبیری برنامه درسی را میدان جنگی در قلب آموزش معرفی کرده است و پیترز (۱۹۹۴) نیز خاطر نشان می‌سازد که توافق اندکی بین استادان، دانشجویان و سازمان‌های مربوطه درباره آن چه بایستی به دانشجویان آموخته شود، وجود دارد (مازولی، ۲۰۰۰، ص ۳۳). با این وجود برخی از صاحب نظران برنامه درسی به ارایه نظراتی در مورد برنامه درسی آموزش عالی پرداخته اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. برنامه درسی آموزش عالی تجربیات آکادمیک رسمی شده ای است که دانشجویان بایستی آنها را در دانشگاه فرا بگیرند. این برنامه‌ها که به همراه دوره‌ها یا برنامه‌های مطالعاتی تدوین شده اند شامل کارگاه‌های آموزشی، سمینارها، مجموعه سخنرانی‌ها، کار آزمایشگاهی و تجربیات نیز می‌شوند. لوی (۱۹۸۷)، تومبز، فایرودر، امن وچن (۱۹۸۹) بیان می‌کنند که برنامه‌های درسی آموزش عالی معمولاً از سه یا چهار عنصر تشکیل شده است که عبارتند از: دروس کلی یا آزاد، دروس دانشگاهی تخصصی، دروس دانشگاهی نیمه تخصصی و دروس اختیاری (جف، ۱۹۹۶، صص ۸-۵).

تاریخچه و سیر تحول برنامه درسی آموزش عالی در ایران

در واقع نخستین نشانه برنامه ریزی آموزش عالی را می توان زمان تصویب قانون اساسی معارف (۱۲۹۰ سال) دانست . به موجب ماده (۲) این قانون برنامه مدارس و مکاتب باید از طرف وزارت معارف معین گردد و وزارت معارف مسئول اجرای آن خواهد بود . از مواد قانونی مورد بحث چنین استنباط می شود که برنامه ریزی آموزشی از آغاز به صورت متمرکز طراحی گردیده بوده است . (سیاری، ۱۳۷۳، ص ۲) . در سال ۱۳۱۳ شمسی تأسیس دانشگاه تهران به تصویب نهایی رسید. دانشگاه تهران وابسته به وزارت معارف (وزارت فرهنگ) وزیر فرمان حکومت بوده و هیچ گونه استقلال مدیریتی و آکادمیک نداشت. عزل و نصب رؤسای دانشگاه، استادان، امور مالی و اداری، امور آموزش به صورت متمرکز برنامه ریزی انجام می شد. سیستم عمودی و متمرکز موجب شد که دانشگاهیان نتوانند خود در برنامه ریزی درسی و فرایندهای آموزشی مشارکت فعال داشته باشند. پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط پهلوی اول، آزادی های به وجود آمد. دانشگاهیان نیز کوشیدند از این فضای آزاد در جهت کسب استقلال آکادمیک بهره گیرند . در نتیجه، این اقدامات مدیریت و برنامه ریزی دانشگاه تهران به حالت شورایی در آمد و دانشگاهیان در آن مشارکت می ورزیدند . بدین ترتیب که شورای هیأت علمی هر دانشکده یک نفر را از میان خود به مدت ۲ سال انتخاب می کردند و شورای دانشگاه از روسای دانشکده ها و منتخبین آن تشکیل می شد . و از میان رؤسای دانشکده ها یک نفر را با رای منتخبین به عنوان رئیس دانشگاه بر می گزیدند. به مرور عدم تمرکز در برنامه ریزی آموزش عالی جایگزین سیاست تمرکز برنامه ریزی آموزش عالی شد (فراستخواه، ۱۳۷۷، صص ۴۱-۳۶) .

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران تغییرات بنیادی در جهت گیری ها و هدف های جامعه و دولت از جمله در ساختار برنامه ریزی آموزش و درسی دانشگاه ها به وجود آمد از جمله قانون انحلال هیأت امنا که به موجب این قانون وظایف شورای مرکزی دانشگاه ها و دبیر کل آن موقتاً به هیأتی مرکب از مهندس سحابی وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه و وزیر فرهنگ آموزش عالی یا نمایندگان تام الاختیار آنان واگذار شد. هیأت های سه نفری جانشین هیأت های امنا به مدت ۱۰ سال محدودده ای ناچیز از حوزه وظایف هیأت های امنا را تصدی کرد (داوری اردکانی، ۱۳۷۷، ص ۷) . تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دانشگاه ها در سال ۱۳۵۹ موجب شد سیاست گذاری آموزش عالی کشور به

ستاد انقلاب فرهنگی سپرده شود و وزارت فرهنگ و آموزش عالی به عنوان کارگزار آن انجام وظیفه کند. در سال ۱۳۶۳ شورای برنامه ریزی آموزش عالی تشکیل گردید تا در کمیته های تخصصی و گروه های برنامه ریزی علاوه بر تعیین رشته ها و مقاطع تحصیلی، برنامه های آموزشی بررسی و تصویب شود.

از اوایل دهه هفتاد به تبع تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ایجاد ثبات در اداره دانشگاه ها موجب شد تا قانون تشکیل هیأت های امنا دانشگاه ها مجدداً مطرح گردد و از آن زمان سیر حرکت آموزش عالی کشور به سوی عدم تمرکز آغاز گشت. تبلور این اندیشه را می توان در برنامه پنج ساله سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) در خصوص تصمیم نظام آموزش عالی کشور در تمرکز زدایی و تفویض اختیارات مربوط به برنامه ریزی درسی به دانشگاه ها (آیین نامه ۱۰۸۹ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۷۹/۲/۱۰) مشاهده کرد.

با مروری بر تاریخچه آموزش عالی در ایران می توان دریافت که برنامه ریزی در آموزش عالی ایران از ۱۳۲۰-۱۲۹۰ به صورت متمرکز، ۱۳۴۶-۱۳۲۰ به صورت غیر متمرکز، ۱۳۴۶-۱۳۵۹ به صورت نیمه متمرکز، ۱۳۷۸-۱۳۵۹ به صورت متمرکز بوده است.

برنامه ریزی درسی آموزش عالی در ایران

مسئولیت برنامه ریزی و تدوین و تصویب آیین نامه ها، مقررات آموزشی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی در نظام آموزش عالی ایران بر عهده شورای عالی برنامه ریزی است. این شورا از ۸ گروه برنامه ریزی، ۶۸ کمیته تخصصی، ۲ کمیته دائمی و حدود ۴۷۶ عضو دائمی تشکیل شده است. اعضای گروه ها و کمیته های تخصصی عموماً اعضای هیأت علمی دانشگاه ها و صاحب نظران در آموزش عالی و برنامه ریزی هستند. نظام آموزشی در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی بر اساس نظام واحدی دو نیمسال است که حجم هر درس با تعداد واحدهای آن درس سنجیده می شود و قبولی یا ردی دانشجو در یک درس به همان درس محدود می شود. هر نیمسال شامل ۱۶ هفته آموزش است و امتحانات پس از پایان آموزش در دو هفته پایانی نیمسال تحصیلی انجام می شود. در نظام جدید آموزش و پرورش دارندگان مدرک دیپلم متوسطه پس از گذراندن دوره پیش دانشگاهی می توانند متقاضی ورود به دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی شوند. دروس هر رشته در دوره کارشناسی از لحاظ محتوا شامل چهار دسته دروس عمومی، پایه، اصلی و تخصصی است. درس های عمومی به منظور توسعه اطلاعات و معلومات عمومی، درس های پایه به منظور تقویت بنیه علمی و ایجاد

زمینه برای درس‌های اصلی و تخصصی رشته است و درس‌های تخصصی کارایی علمی و عملی دانشجویان را در یک رشته معین بالا می‌برد. درس‌های دانشگاهی عمدتاً به صورت الزامی و تعدادی به صورت اختیاری ارائه می‌شود که شامل درس‌های مستقل و پیوسته است. درس‌های مستقل، درس‌هایی هستند که انتخاب آن‌ها منوط به گذراندن درس یا دورس پیش نیاز نیست. از لحاظ نحوه آموزش، درس‌های دانشگاهی به درس‌های نظری و عملی تقسیم می‌شود. درس نظری حاوی مجموعه‌ای از دانش‌هاست که به صورت خطابه، کنفرانس و سمینار و بحث و گفتگو به دانشجویان تعلیم داده می‌شود و درس عملی مجموعه مهارت‌هایی است که انتقال آن به دانشجویان از طریق عملیات کارگاهی، بیمارستانی، آزمایشگاهی و صحرایی صورت می‌گیرد. (گزارش آموزش عالی ایران، ۱۳۷۹، ص ۵۴).

جایگاه مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی

اعضای هیأت علمی به علت آشنایی با مسایل و نیازهای دانشجویان و دانشگاه و تجربیات ارزشمندی که در سایه تعامل با یادگیرندگان به دست می‌آورند مهم‌ترین عنصر در موفقیت برنامه درسی می‌باشند. تایلر (۱۹۷۵) تأکید می‌کند که اعضای هیأت علمی می‌توانند در پیش‌بینی و تهیه فرصت‌های یادگیری و سازماندهی تجربیات یادگیری و ارزشیابی برنامه‌های درسی فعالیت داشته باشند (جف، ۱۹۹۶، ص ۱۷۶). لوین (۱۹۷۸)، راتکلیف (۱۹۹۰) و ویسی (۱۹۶۵) درباره اعضای هیأت علمی می‌گویند: اعضای هیأت علمی می‌توانند در طراحی و تدریس دوره‌ها و هم‌چنین، سازماندهی و هدایت و کنترل یک دوره آموزشی اعم از هدف، روش و محتوا و ارزشیابی فعالیت داشته و مشارکت کنند. علاوه بر موارد فوق الذکر راتکلیف (۱۹۹۶) معتقد است اعضای هیأت علمی می‌توانند در کمیته‌های وابسته برنامه ریزی درسی، مثل کمیته‌های ارزشیابی برنامه‌های درسی و هم‌چنین در تنظیم، احیا و یا تغییر برنامه‌های درسی آموزش عالی نقش مؤثری ایفا نمایند (جف، ۱۹۹۶، صص ۸-۵). براسکام واری در تشریح وظایف اعضای هیأت علمی، از جمله وظایف اعضای هیأت علمی را تدوین و اصلاح برنامه‌های درسی، تدوین مواد آموزشی، تألیف کتاب‌های راهنما و تهیه نرم افزارهای آموزشی، تألیف کتب و متون درسی و ویرایش آن‌ها، سازماندهی و ارزشیابی دوره‌های مطالعاتی - تحقیقاتی و ارزشیابی فعالیت‌های تحقیقاتی دانشجویان و هم‌چنین، سرپرستی و هدایت فعالیت‌های تحقیقاتی دانشجویان، می‌داند (براسکام، ۱۹۹۴، صص ۵۴-۳۳). استارک نیز تأکید می‌کند که عضو هیأت علمی می‌تواند در تهیه طرح، هدف گذاری، تهیه محتوا، روش‌های تدریس و اجرای برنامه و هم‌چنین ارزشیابی و بازنگری برنامه ریزی درسی فعالیت نماید (استارک، ۱۹۹۰، ص ۶).

با توجه به دیدگاه‌های ذکر شده، در صورتی که نسبت به جایگاه، نقش و زمینه سازی مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی تأملی عمیق و جامع الاطراف صورت پذیرد، اثر بخشی برنامه های درسی به طرز چشم گیری بهبود خواهد یافت.

عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی

برنامه های درسی آموزش عالی که نقشی اساسی در تربیت نیروی انسانی ایفا می کنند در ایران بر اساس نظامی متمرکز، با اندک توجهی به نیازهای کشور و منطقه، طراحی و تدوین شده اند. و هم اکنون که مجوز طراحی و تدوین برنامه های درسی به برخی از دانشگاه ها داده شده است، آینده این امر به علت کم تجربگی و فقدان نیروهای متخصص، در هاله ای از ابهام قرار دارد. زیرا کانون توجهات اعضای هیأت علمی به عنوان مدیران صف در آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی دانشگاه ها به جای آموزش مؤثر و فعالیت های تحقیقاتی و دانش پژوهی به حل مسایل معیشتی سوق داده شده است. پاداش های مالی برای فعالیت های علمی از جایگاه ویژه ای برخوردار نیست. حقوق و مزایای دانشگاهیان، بازار ضعیف انتشارات علمی، نرم افزار و حمایت اندک از محققان و مؤلفان و ناشران گویای این امر است. گسترش آموزش عالی در قالب نظامی متمرکز، استقلال دانشگاه ها و در نهایت، استقلال فکری اعضای هیأت علمی را محدود کرده است. (آراسته، ۱۳۸۲، ص ۳۶). علاوه بر موارد یاد شده، حمایت شورای هماهنگ کننده برنامه درسی دانشگاه (جف، ۱۹۹۶) تجربیات حرفه ای و شخصی عوامل انگیزشی درونی و بیرونی، عوامل فرهنگی و سازمانی (هیلتون، ۲۰۰۰، ص ۴۳) عدم برنامه مشخص و تعریف شده برای مشارکت در برنامه ریزی درسی، بوروکراسی و قوانین دست و پاگیر، موانع اداری، نبودن ضمانت اجرایی برای نظرات اعضای هیأت علمی و بی انگیزگی اعضا نسبت به امر مشارکت، عدم وجود امکانات و فضاهای آموزشی لازم، عدم حمایت مالی و نیز طولانی بودن فرایند پرداخت حق الزحمه و مشکلات اقتصادی اعضا را می توان از جمله مواردی بیان کرد که بر فرایند مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی دانشگاهی تأثیر دارند (اقدسی، ۱۳۸۱، ص ۷۵).

با عنایت به بررسی های مقدماتی از آثار و منابع در دسترس در حوزه برنامه ریزی درسی آموزش عالی (استارک و دیگران ۱۹۹۰، براسکام و اری ۱۹۹۴، جف و دیگران ۱۹۹۶، هیلتون ۲۰۰۰، مازولی ۲۰۰۰، اقدسی ۱۳۸۱، ساکتی ۱۳۸۱، آراسته ۱۳۸۲) عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای هیأت علمی به شرح زیر است:

عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی	
<p>میزان تألیفات عضو هیأت علمی، میزان ترجمه‌های عضو هیأت علمی، تعداد مقالات علمی منتشر شده در مجلات داخلی، تعداد مقالات منتشر شده در مجلات خارجی، میزان شرکت در سمینارهای داخلی، میزان تحقیقات و پژوهش‌های عضو هیأت علمی، مشارکت در برگزاری کارگاه‌های آموزشی، میزان پروژه‌های راهنمایی شده در دوره کارشناسی، میزان پایان‌نامه‌های راهنمایی شده در دوره کارشناسی ارشد، میزان رساله‌های راهنمایی شده در دوره دکتری.</p>	عوامل علمی
<p>سابقه تدریس در دانشگاه در مقاطع مختلف، رشته‌ای که فرد تدریس می‌کند، میزان تحصیلات عضو هیأت علمی، رشته تحصیلی عضو هیأت علمی، رتبه علمی عضو هیأت علمی، بهره‌مندی از منابع علمی جدید، دارا بودن دانش برنامه ریزی درسی آموزش عالی، دارا بودن نگرش مثبت به برنامه ریزی درسی آموزش عالی و دارا بودن تجربه در زمینه برنامه ریزی درسی آموزش عالی.</p>	عوامل حرفه‌ای
<p>مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبات وزارت علوم تحقیقات فناوری (وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی)، قوانین و مقررات حاکم بر نظام آموزش عالی و میزان اختیارات واگذار شده به دانشگاه‌های دارای هیأت ممیزه از طرف وزارت تحقیقات و فناوری.</p>	عوامل بیرون سازمانی
<p>سیاست‌گذاری‌های داخلی دانشگاه، نوع مدیریت دانشگاه (آمرانه، مشارکتی، و...)، نوع مدیریت دانشکده (آمرانه، مشارکتی، و...)، نوع مدیریت گروه (آمرانه، مشارکتی، و...)، فضا و جو دانشگاه (جو باز، جو بسته)، میزان اختیارات واگذار شده به گروه‌های آموزشی از طرف دانشگاه، روابط بین اعضای گروه مشارکت‌کننده در برنامه ریزی درسی آموزش عالی، انتظارات و تعاملات استاد و دانشجو، برگزاری سمینارها و کارگاه‌های آموزشی از طرف دانشگاه (در زمینه برنامه ریزی درسی آموزش عالی) و تعیین مدت زمان مشخص (زمان موظف) برای مشارکت عضو هیأت علمی از طرف دانشگاه.</p>	عوامل درون سازمانی

عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی		
مکانیزم‌های تشویقی (پاداش‌های مالی و غیر مالی)، قدرشناسی از خدمات مطلوب علمی و پژوهشی اعضای هیأت علمی، فرهنگ کار گروهی مشوق برای مشارکت در برنامه ریزی درسی آموزش عالی، میزان حقوق و مزایای اعضای هیأت علمی و میزان تسهیلات رفاهی (وام مسکن، بازنشستگی، ازدواج و ...).	عوامل انگیزشی بیرونی	عوامل انگیزشی
رضایت شغلی (به مفهوم لذت روحی ناشی از ارضا، نیازها، تمایلات و امیدها که فرد از کار خود به دست می‌آورد). تعهد سازمانی (وفاداری و حالتی که فرد براساس آن احساس مثبتی نسبت به سازمان دارد)، مسئولیت پذیری (داشتن تعهدی نسبت به شخص معین و یا گروهی از افراد برای انجام دادن کار یا شغلی معین)، اعتماد به نفس (باور داشتن خود)، روحیه علمی (داشتن نشاط و سرزندگی در حوزه مسایل علمی)، آزادی علمی (توانایی فراتر رفتن از محدوده‌های علمی تثبیت شده)، استقلال شغلی (نگرشی خود مختار که در آن شخص نسبتاً از نفوذ قضاوت‌ها، عقاید و باورهای دیگران در ارتباط با شغلش رها است).	عوامل انگیزشی درونی	

متدولوژی تحقیق

هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی دانشگاه‌های شهید بهشتی و علوم پزشکی شهید بهشتی و ارائه پیشنهاداتی برای افزایش میزان مشارکت اعضا در برنامه ریزی درسی آموزش عالی بر اساس نتایج تحقیق می‌باشد. که براین اساس سؤالات زیر مطرح می‌گردد.

- ۱- آیا عوامل علمی بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی تأثیر دارند؟
- ۲- آیا عوامل حرفه ای بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی تأثیر دارند؟
- ۳- آیا عوامل سازمانی (بیرونی و درونی) بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی تأثیر دارند؟

۴- آیا عوامل انگیزشی (بیرونی و درونی) بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی تأثیر دارند؟

۵- کدامیک از عوامل فوق بیشترین تأثیر را بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی دارند؟

روش تحقیق این پژوهش توصیفی و از نوع پیمایشی است روشی که برای بررسی ماهیت ویژگی‌ها و ادراک‌های مردم (یعنی نگرش‌ها، باورها، عقاید، و امور مورد علاقه) از طریق تجزیه و تحلیل پاسخ به پرسش‌هایی است که به دقت تدوین شده‌اند. جامعه آماری در این پژوهش کلیه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های شهید بهشتی و علوم پزشکی شهید بهشتی هستند که در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ عضو هیأت علمی می‌باشند. تعداد اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی ۵۵۱ نفر و تعداد اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی ۱۰۵۰ نفر می‌باشد که جمعاً جامعه آماری ۱۶۰۱ نفر خواهد بود. به منظور برآورد حجم نمونه در این پژوهش از جدول مورگان استفاده شده و تعداد مورد مطالعه بر این اساس ۳۱۰ نفر از اعضای هیأت علمی می‌باشد که از این تعداد ۲۸۲ نفر در جریان تحقیق مشارکت نمودند. با توجه به مطالب مذکور و نظریه پراکندگی جامعه و برای این که زیر گروه‌ها یعنی دانشکده‌های دو دانشگاه به اندازه تعدادشان در نمونه نماینده داشته باشند، از روش تصادفی طبقه بندی شده استفاده شده است. از پرسشنامه محقق ساخته به عنوان ابزار اصلی تحقیق استفاده شده است. برای اطمینان از روایی پرسشنامه تحقیق‌های پرسشنامه به طریق دلفی در اختیار ۸ تن از صاحب‌نظران با تجربه دانشگاه در زمینه برنامه ریزی درسی قرار گرفت. حاصل دقت نظر آن‌ها در حکم و اصلاح محتوای عبارت‌ها لحاظ گردید و سپس به صورت تصادفی بین ۲۰ نفر از اعضای جامعه نمونه آماری توزیع گردید و پس از اجرا نسبت به اصلاح و تهیه پرسشنامه نهایی اقدام گردید. برای سنجش پایایی پرسشنامه تحقیق از نرم افزار SPSS و آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد و پایایی آزمون برابر ۸۶٪ محاسبه گردید. به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده جهت رسیدن به اهداف تحقیق از روش آمار توصیفی (محاسبه فراوانی، درصد، ترسیم نمودار) و آمار استنباطی (آزمون t تک نمونه‌ای) استفاده شده است.

سؤال اول پژوهش: آیا عوامل علمی بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی تاثیر دارد؟

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی					دانشگاه شهید بهشتی					عوامل علمی
سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	
/۰۰۰	۵۸/۰۲	۱۷۶	۰/۹۶	۳/۷۸	۰/۰۰۰	۳۵/۲۱	۱۰۴	۱/۰۷۰	۳/۶۸	میزان تألیفات عضو هیأت علمی
۰/۰۰۰	۵۴/۲۱	۱۷۶	۰/۹۲	۳/۷۶	۰/۰۰۰	۳۵/۴۸	۱۰۴	۱/۰۴۲	۳/۶۱	میزان ترجمه های عضو هیأت علمی
۰/۰۰۰	۵۳/۶۸	۱۷۶	۰/۹۳	۳/۷۶	۰/۰۰۰	۳۹/۴۱	۱۰۴	۰/۹۵	۳/۶۸	تعداد مقالات علمی منتشر شده در مجلات داخلی
۰/۰۰۰	۵۲/۱۸	۱۷۶	۰/۹۵	۳/۷۴	۰/۰۰۰	۳۶/۱۴	۱۰۴	۱/۰۵۹	۳/۷۳	تعداد مقالات علمی منتشر شده در مجلات خارجی
۰/۰۰۰	۵۲/۴۹	۱۷۶	۰/۹۵	۳/۷۶	۰/۰۰۰	۳۹/۳۳	۱۰۴	۰/۹۸	۳/۷۹	میزان شرکت در سمینارهای داخلی
۰/۰۰۰	۵۴/۲۳	۱۷۶	۰/۹۲	۳/۷۵	۰/۰۰۰	۳۷/۱۹	۱۰۴	۱/۰۴۴	۳/۷۹	میزان شرکت در سمینارهای خارجی
۰/۰۰۰	۵۴/۹۱	۱۷۶	۰/۸۹	۳/۷۱	۰/۰۰۰	۳۷/۸۰	۱۰۴	۱/۰۱۷	۳/۷۵	میزان تحقیقات و پژوهش های علمی عضو هیأت علمی

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی					دانشگاه شهید بهشتی					عوامل علمی
سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۰	۵۳/۷۵	۱۷۶	۰/۹۲	۳/۷۲	۰/۰۰۰	۳۲/۶۱	۱۰۴	۱/۱۱	۳/۵۳	مشارکت در برگزاری کارگاه های آموزشی
۰/۰۰۰	۶۰/۰۳	۱۷۶	۰/۸۵	۳/۸۴	۰/۰۰۰	۳۷/۵۰	۱۰۴	۰/۹۷	۳/۵۵	میزان پروژہ های راهنمایی شده در دوره کارشناسی
۰/۰۰۰	۶۳/۳۸	۱۷۶	۰/۸۱	۳/۸۶	۰/۰۰۰	۴۲/۹۴	۱۰۴	۰/۹۲	۳/۹۰	میزان پایان نامه های راهنمایی شده در دوره کارشناسی ارشد
۰/۰۰۰	۶۳/۵۲	۱۷۶	۰/۸۱	۳/۸۹	۰/۰۰۰	۴۱/۳۱	۱۰۴	۰/۹۵	۳/۸۴	میزان رساله های راهنمایی شده در دوره دکتری
۰/۰۰۰	۶۸/۴۸	۱۷۶	۸/۰۷	۴۱/۵۸	۰/۰۰۰	۶۰/۸۰	۱۰۴	۶/۸۸	۴۰/۸۴	کل

همان طور که در جدول فوق ملاحظه می گردد، t مشاهده شده برای عوامل علمی در دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سطح $0/01$ معنادار می باشد (دانشگاه شهید بهشتی $P < 0/01$ $d.f = 104$ و $t = 60/80$) (دانشگاه علوم پزشکی $P < 0/01$ $d.f = 176$ و $t = 68/48$). همانطور که مشاهده می شود تمام یازده عاملی که به عنوان عوامل علمی می توانند بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی تأثیر بگذارند، شناسایی و تأیید شده اند.

سؤال دوم پژوهش: آیا عوامل حرفه ای بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی تأثیر دارند؟

دانشگاه شهید بهشتی					دانشگاه شهید بهشتی					عوامل حرفه ای
سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	
0/000	70/16	176	0/80	4/25	0/000	40/83	104	1/035	4/12	سابقه تدریس در دانشگاه درمقاطع مختلف
0/000	89/58	176	0/86	3/89	0/000	38/15	104	1/038	3/87	رشته ای که فرد تدریس می کند
0/000	75/07	176	0/73	4/16	0/000	42/73	104	0/95	3/96	میزان تحصیلات عضو هیأت علمی
0/000	57/03	176	0/89	3/85	0/000	36/07	104	1/074	3/78	رشته تحصیلی عضو هیأت علمی
0/000	65/75	176	0/82	4/09	0/000	36/77	104	1/040	3/76	رتبه علمی عضو هیأت علمی
0/000	62/10	176	0/85	4/01	0/000	38/66	104	1/080	4/08	بهره مندی از منابع علمی جدید

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی					دانشگاه شهید بهشتی					عوامل حرفه‌ای
سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۰	۷۳/۷۱	۱۷۶	۰/۷۵	۴/۱۸	۰/۰۰۰	۳۹/۲۲	۱۰۴	۱/۰۷۰	۴/۱۰	دارا بودن دلش برنامه ریزی درسی آموزش عالی
۰/۰۰۰	۶۹/۴۶	۱۷۶	۰/۸۰	۴/۱۹	۰/۰۰۰	۴۳/۲۹	۱۰۴	۰/۹۷	۴/۱۱	دارا بودن نگرش مثبت به برنامه ریزی درسی آموزش عالی
۰/۰۰۰	۶۷/۹۷	۱۷۶	۰/۸۳	۴/۲۷	۰/۰۰۰	۴۲/۹۲	۱۰۴	۰/۹۴	۴/۱۴	دارا بودن تجربه در زمینه برنامه ریزی درسی آموزش عالی
۰/۰۰۰	۱۰۰/۲	۱۷۶	۴/۸۹	۳۶/۸۹	۰/۰۰۰	۶۰/۴۸	۱۰۴	۶/۰۸	۳۵/۸۹	کل

همان طور که در جدول فوق ملاحظه می‌گردد t مشاهده شده برای عوامل حرفه‌ای برای دو دانشگاه در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد. (دانشگاه شهید بهشتی $t=60/48$ و $d.f=104$ $P<0/01$) (دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی $t=100/29$ $d.f=176$ $P<0/01$). چنانکه مشاهده می‌شود؛ عوامل نه گانه فوق به عنوان عوامل حرفه‌ای مؤثر بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی شناسایی و تأیید شده‌اند.

سؤال سوم پژوهش: آیا عوامل سازمانی بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی تأثیر دارند؟ لازم به ذکر است که عوامل سازمانی به دو بخش عوامل برون سازمانی و عوامل درون سازمانی تقسیم شده که تأثیر هر یک از این عوامل به طور جداگانه محاسبه گردیده است.

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی					دانشگاه شهید بهشتی					عوامل برون سازمانی
سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۰	۶۵/۷۷	۱۷۶	۰/۸۱	۴/۰۳	۰/۰۰۰	۳۶/۱۲	۱۰۴	۱/۰۷	۳/۸۰	مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی
۰/۰۰۰	۶۸/۸۱	۱۷۶	۰/۷۸	۴/۰۵	۰/۰۰۰	۴۰/۷۴	۱۰۴	۰/۹۹	۳/۹۵	مصوبات وزارت علوم تحقیقات و فناوری (وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی)
۰/۰۰۰	۶۳/۴۲	۱۷۶	۰/۸۳	۳/۹۷	۰/۰۰۰	۴۰/۳۵	۱۰۴	۱/۰۰	۳/۹۵	قوانین و مقررات حاکم بر نظام آموزش عالی
۰/۰۰۰	۶۷/۰۳	۱۷۶	۰/۸۱	۴/۱۱	۰/۰۰۰	۴۴/۵۵	۱۰۴	۰/۹۳	۴/۰۸	میزان اختیارات واگذار شده به دانشگاه های دارای هیأت ممیزه
۰/۰۰۰	۶۱/۸۵	۱۷۶	۶/۵۶	۳۹/۶۲	۰/۰۰۰	۵۵/۲۱	۱۰۴	۲/۹۲	۱۵/۷۸	کل

همان طور که در جدول فوق ملاحظه می گردد، t مشاهده شده برای عوامل سازمانی بیرونی در سطح ۰/۰۱ معنا دار می باشد. (عوامل برون سازمانی دانشگاه شهید بهشتی $P < 0/01$ و $d.f = 104$) و $t = 55/21$ (عوامل برون سازمانی دانشگاه علوم پزشکی $P < 0/01$ و $d.f = 176$ و $t = 61/85$) چنانکه مشاهده می گردد؛ عوامل چهارگانه فوق به عنوان عوامل سازمانی بیرونی مؤثر بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی شناسایی و تأیید شده اند.

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی					دانشگاه شهید بهشتی					عوامل درون سازمانی
سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۰	۶۷/۹۲	۱۷۶	۰/۷۸	۴/۰۲	۰/۰۰۰	۴۸/۸۰	۱۰۴	۰/۸۳	۳/۹۹	سیاست گذاری های داخلی دانشگاه
۰/۰۰۰	۴۲/۷۷	۱۷۶	۰/۷۵	۴/۲۴	۰/۰۰۰	۴۲/۴۳	۱۰۴	۰/۹۷	۴/۰۲	نوع مدیریت دانشگاه (آمرانه، مشارکتی و ..)
۰/۰۰۰	۷۲/۸۶	۱۷۶	۰/۷۶	۴/۱۹	۰/۰۰۰	۴۰/۱۲	۱۰۴	۱/۰۳۶	۴/۰۶	نوع مدیریت دانشکده (آمرانه، مشارکتی و ..)
۰/۰۰۰	۷۴/۸۷	۱۷۶	۰/۷۵	۴/۲۶	۰/۰۰۰	۴۰/۶۱	۱۰۴	۱/۰۳۳	۴/۱۰	نوع مدیریت گروه (آمرانه، مشارکتی و ..)
۰/۰۰۰	۷۱/۸۳	۱۷۶	۰/۷۷۹	۴/۲۰	۰/۰۰۰	۴۲/۱۳	۱۰۴	۰/۹۸	۴/۰۵	فضا و جو دانشگاه (جو باز، جو بسته)
۰/۰۰۰	۷۱/۴۲	۱۷۶	۰/۷۷۴	۴/۱۶	۰/۰۰۰	۳۸/۶۳	۱۰۴	۱/۰۵	۳/۹۸	میزان اختیارات واگذار شده به گروههای آموزشی از طرف دانشگاه

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی					دانشگاه شهید بهشتی					عوامل درون سازمانی
سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۰	۷۲/۳۳	۱۷۶	۰/۷۵	۴/۱۲	۰/۰۰۰	۳۸/۰۸	۱۰۴	۱/۰۹	۴/۰۷	روابطین اعضای مشارکت کننده در برنامه ریزی درسی آموزش عالی
۰/۰۰۰	۶۶/۱۲	۱۷۶	۰/۸۰	۴/۰۲	۰/۰۰۰	۲۹/۴۸	۱۰۴	۱/۳۴	۳/۸۶	انتظارات و تعاملات استاد و دانشجو
۰/۰۰۰	۷۰/۸۲	۱۷۶	۰/۷۶	۴/۰۵	۰/۰۰۰	۳۲/۲۰	۱۰۴	۱/۲۱	۳/۸۲	برگزاری سمینارها و کارگاههای آموزشی از طرف دانشگاه (درزمیه برنامه ریزی درسی آموزش عالی)
۰/۰۰۰	۶۵/۳۸	۱۷۶	۰/۸۱	۴/۰۲	۰/۰۰۰	۳۲/۸۴	۱۰۴	۱/۱۵	۳/۷۰	تعیین مدت زمان مشخص (زمان موظف) برای مشارکت عضو هیأت علمی از طرف دانشگاه
۰/۰۰۰	۱۰۴/۵	۱۷۶	۵/۲۶	۴۱/۳۳	۰/۰۰۰	۸۱/۴۵	۱۰۴	۲/۶۳	۱۶/۱۴	کل

همان طور که در جدول فوق ملاحظه می‌گردد، t مشاهده شده برای عوامل سازمانی درونی در دانشگاه در سطح $0/01$ معنا دار می‌باشد. (عوامل درون سازمانی دانشگاه شهید بهشتی $P < 0/01$ و $d.f = 104$ و $t = 81/45$) (عوامل درون سازمانی دانشگاه علوم پزشکی $P < 0/01$ و $d.f = 176$ و $t = 104/5$). چنان که مشاهده می‌شود، عوامل ده گانه فوق به عنوان عوامل سازمانی درونی مؤثر بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی دانشگاه عالی شناسایی و تأیید شده اند. سؤال چهارم پژوهش آیا عوامل انگیزشی بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی دانشگاهی تأثیر دارند؟ لازم به ذکر است که عوامل انگیزشی به دو دسته عوامل انگیزشی درونی و بیرونی تقسیم شده است که تأثیر هر یک به طور جداگانه محاسبه شده است. همان طور که در جدول زیر ملاحظه می‌گردد، t مشاهده شده برای عوامل انگیزشی بیرونی در دو دانشگاه در سطح $0/01$ معنا دار می‌باشد. (عوامل انگیزشی بیرونی دانشگاه شهید بهشتی $P < 0/01$ و $d.f = 104$ و $t = 56/32$) (عوامل انگیزشی بیرونی دانشگاه علوم پزشکی $P < 0/01$ و $d.f = 176$ و $t = 90/37$). چنان که مشاهده می‌شود، عوامل پنجگانه زیر به عنوان عوامل انگیزشی بیرونی مؤثر بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی شناسایی و تأیید شده اند.

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی					دانشگاه شهید بهشتی					عوامل انگیزشی بیرونی
سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۰	۷۴/۷۷	۱۷۶	۰/۷۳	۴/۱۲	۰/۰۰۰	۴۱/۱۰	۱۰۴	۱/۰۰۴	۴/۰۳	استفاده از مکاتیبهای تشویقی (پادشاهی مادی و غیرمادی)
۰/۰۰۰	۷۶/۴۱	۱۷۶	۰/۷۱	۴/۱۲	۰/۰۰۰	۴۱/۸۱	۱۰۴	۰/۹۹	۴/۰۴	قرشناسی از خدمات مطلوب علمی و پژوهشی اعضای هیأت علمی
۰/۰۰۰	۶۹/۷۲	۱۷۶	۰/۷۷۴	۴/۰۶	۰/۰۰۰	۳۹/۱۴	۱۰۴	۱/۰۶	۴/۰۵	فرهنگ کل گروهی مشوق برای مشارکت در برنامه ریزی درسی آموزش عالی
۰/۰۰۰	۷۱/۲۹	۱۷۶	۰/۷۷۷	۴/۱۶	۰/۰۰۰	۴۶/۰۹۸	۱۰۴	۰/۹۱	۴/۱۲	میزان حقوق و مزایای اعضای هیأت علمی
۰/۰۰۰	۷۲/۷۳	۱۷۶	۰/۷۶	۴/۱۹	۰/۰۰۰	۴۳/۱۶	۱۰۴	۰/۹۸	۴/۱۳	میزان تسهیلات رطهی (وام مسکن، بلژتستگی، ازدواج و ...)
۰/۰۰۰	۹۰/۳۷	۱۷۶	۳/۰۳	۲۰/۶۴	۰/۰۰۰	۵۶/۳۲	۱۰۴	۳/۷۰	۲۰/۳۷	کل

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی					دانشگاه شهید بهشتی					عوامل انگیزشی درونی
سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	سطح معنی داری	میزان t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۰	۷۷/۱۲	۱۷۶	۰/۷۴	۴/۲۹	۰/۰۰۰	۴۹/۱۹	۱۰۴	۰/۸۸	۴/۲۴	رضایت شغلی
۰/۰۰۰	۷۵/۰۱	۱۷۶	۰/۷۵	۴/۲۷	۰/۰۰۰	۴۵/۶۰	۱۰۴	۰/۹۴	۴/۱۹	تعهد سازمانی
۰/۰۰۰	۸۲/۸۵	۱۷۶	۰/۶۹	۴/۳۳	۰/۰۰۰	۴۰/۶۶	۱۰۴	۱/۰۵	۴/۱۷	مسئولیت پذیری
۰/۰۰۰	۷۸/۵۱	۱۷۶	۰/۷۳	۴/۳۱	۰/۰۰۰	۳۹/۰۳	۱۰۴	۱/۰۹	۴/۱۵	اعتماد به نفس
۰/۰۰۰	۷۱/۷۳	۱۷۶	۰/۷۸	۴/۲۵	۰/۰۰۰	۴۱/۰۲۲	۱۰۴	۱/۰۴	۴/۱۷	آزادی عمل
۰/۰۰۰	۷۱/۱۵	۱۷۶	۰/۷۹	۴/۲۵	۰/۰۰۰	۴۲/۷۸	۱۰۴	۱/۰۵	۴/۳۹	روحیه علمی
۰/۰۰۰	۷۵/۲۱	۱۷۶	۰/۷۶	۴/۳۴	۰/۰۰۰	۳۹/۷۳	۱۰۴	۱/۱۳	۴/۳۸	استقلال شغلی
۰/۰۰۰	۸۶/۱۱	۱۷۶	۴/۶۴	۳۰/۰۳	۰/۰۰۰	۵۸/۰۲	۱۰۴	۵/۲۴	۲۹/۶۹	کل

همان طور که در جدول فوق ملاحظه می گردد، t مشاهده شده برای عوامل انگیزشی درونی در دو دانشگاه در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد (عوامل انگیزشی درونی دانشگاه شهید بهشتی $t=58/02$ d.f=104 $P < 0/01$) (عوامل انگیزشی درونی دانشگاه علوم پزشکی $t=86/11$ d.f=176 $P < 0/01$) چنانکه مشاهده می شود. عوامل هفت گانه فوق به عنوان عوامل انگیزشی درونی مؤثر بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی شناسایی و تأیید شده اند.

سؤال پنجم پژوهش: کدام یک از عوامل (علمی، حرفه‌ای، سازمانی، انگیزشی) بیشترین تأثیر را بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی دانشگاهی دارند؟

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی		دانشگاه شهید بهشتی		عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای هیأت علمی	
اولویت	میانگین	اولویت	میانگین		
ششم	۲۸/۹۴	ششم	۲۸/۴۷	عوامل علمی	
چهارم	۳۱/۰۱	سوم	۳۰/۵۸	عوامل حرفه‌ای	
پنجم	۳۰/۹۰	پنجم	۳۰/۲۱	برون سازمانی	عوامل سازمانی
سوم	۳۱/۳۹	چهارم	۳۰/۳۵	درون سازمانی	
دوم	۳۱/۶۲	اول	۳۱/۲۰	انگیزشی بیرونی	عوامل انگیزشی
اول	۳۲/۶۷	دوم	۳۰/۹۰	انگیزشی درونی	

همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌گردد، در دانشگاه شهید بهشتی عوامل انگیزشی بیرونی رتبه اول و انگیزشی درونی رتبه دوم دارا هستند و مهم ترین عامل در بین عوامل انگیزشی که رتبه نخست را به خود اختصاص داده رضایت شغلی می‌باشد. هم چنین، عوامل حرفه‌ای رتبه سوم، عوامل درون سازمانی رتبه چهارم و به نوعی رده میانی را به خود اختصاص داده اند که حاکی از تأثیر تا اندازه‌ای متوسط آن‌ها می‌باشد، عوامل برون سازمانی رتبه پنجم، عوامل علمی رتبه ششم می‌باشند. اما اولویت عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بدین گونه است: عوامل انگیزش درونی، رتبه اول را داراست (و مهم‌ترین عاملی که رتبه نخست را به خود اختصاص داده مسئولیت پذیری می‌باشد)، عوامل انگیزشی بیرونی رتبه دوم، عوامل درون سازمانی رتبه سوم، عوامل حرفه‌ای رتبه چهارم، عوامل برون سازمانی رتبه پنجم و عوامل علمی رتبه ششم.

بحث و نتیجه گیری

در مجموع آن چه می توان از نتایج حاصل از پژوهش حاضر استنباط نمود، این است که: کلیه عوامل یاد شده در مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی نقش دارند. مهم ترین عوامل یازده گانه عوامل علمی عبارتند از: میزان پایان نامه های راهنمایی شده در دوره کارشناسی ارشد، میزان رساله های راهنمایی شده در دوره دکتری. در عین حال به زعم اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی کم اهمیت ترین این عوامل، مشارکت در برگزاری کارگاه های آموزشی و به زعم اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی کم اهمیت ترین این عوامل، میزان تحقیقات و پژوهش های عضو هیأت علمی است. در مجموع این عوامل اولویت ششم را در هر دو دانشگاه به خود اختصاص داده است و نشان دهنده تأثیر کم آن به نسبت سایر عوامل یاد شده می باشد که با یافته های پژوهشی براسکام واری (۱۹۹۴) و استارک (۱۹۹۰) هم خوانی دارد. هم چنین، مهم ترین عوامل در بین عوامل حرفه ای، دارا بودن تجربه در زمینه برنامه ریزی درسی آموزش عالی می باشد. به زعم اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی کم اهمیت ترین عامل، رتبه علمی عضو هیأت علمی و به زعم اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی کم اهمیت ترین عامل رشته تحصیلی عضو هیأت علمی است این عوامل اولویت سوم را در دانشگاه شهید بهشتی و اولویت چهارم را در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به خود اختصاص داده است که نشان دهنده تأثیر متوسط آن نسبت به عوامل ذکر شده بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی است و با یافته های پژوهشی آراسته (۱۳۸۲) استارک (۱۹۹۰) و ساکتی (۱۳۸۱) هم خوانی دارد. در بین عوامل چهارگانه برون سازمانی مهم ترین عامل به زعم اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، مصوبات وزارت علوم و وزارت بهداشت و قوانین حاکم بر نظام آموزش عالی و به زعم اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، میزان اختیارات واگذار شده به دانشگاه های دارای هیأت ممیزه می باشد. کم اهمیت ترین عامل به زعم اعضای هیأت علمی دو دانشگاه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی می باشد در بین عوامل درون سازمانی نیز مهم ترین عامل به زعم اعضای هیأت علمی دو دانشگاه، نوع مدیریت گروه (آمرانه، مشارکتی...) می باشد. از کم اهمیت ترین عوامل به زعم اعضای هیأت علمی دو دانشگاه می توان به تعیین مدت زمان مشخص برای مشارکت، اشاره کرد این عوامل نیز که شامل عوامل برون سازمانی و درون سازمانی می باشد، در دانشگاه شهید بهشتی به ترتیب رتبه پنجم و چهارم و دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی رتبه پنجم و سوم را به خود اختصاص داده است که بیانگر تأثیر تا اندازه ای متوسط آن نسبت به عوامل دیگر بر

مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی می باشد و با یافته های پژوهشی هیلتون (۲۰۰۰) اقدسی (۱۳۸۱) و ساکتی (۱۳۸۱) هم خوانی دارد. در میان عوامل انگیزشی بیرونی مهم ترین عامل به زعم اعضای هیأت علمی دو دانشگاه، میزان تسهیلات رفاهی (وام مسکن، بازنشستگی، ازدواج و...) می باشد و کم اهمیت ترین عامل به زعم اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، استفاده از مکانیزم های تشویقی و به زعم اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، فرهنگ کار گروهی مشوق برای مشارکت در برنامه ریزی درسی آموزش عالی می باشد. هم چنین، در میان عوامل انگیزشی درونی به زعم اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، روحیه علمی و استقلال شغلی و به زعم اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی استقلال شغلی مهم ترین عامل می باشد. همچنین کم اهمیت ترین عامل به زعم اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، اعتماد به نفس و به زعم اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، آزادی علمی و روحیه علمی تشخیص داده شده اند. چنان که ملاحظه می شود، عوامل انگیزشی (عوامل انگیزشی بیرونی، عوامل انگیزشی درونی) بیشترین تأثیر را بر مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی دانشگاهی دارد که با یافته های پژوهشی آراسته (۱۳۸۲) مازولی (۲۰۰۰) هم خوانی دارد. لذا بیش از هر چیز توجه به این عوامل جهت فراهم نمودن بستری برای مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی ضروری به نظر می رسد.

با توجه به یافته های پژوهش حاضر پیشنهاد می گردد که:

- ۱- زمینه ای جهت ارتقای رضایت شغلی، مسئولیت پذیری، تعهد سازمانی و اعتماد به نفس، بهبود روحیه علمی، آزادی علمی و استقلال شغلی اعضای هیأت علمی در دانشگاه به منظور افزایش مشارکت آنان در برنامه ریزی درسی آموزش عالی فراهم گردد.
- ۲- هم چنین، استفاده از مکانیزم های تشویقی و تقدیر از خدمات مطلوب علمی و پژوهشی اعضای هیأت علمی، توجه به میزان حقوق، میزان تسهیلات رفاهی و فرهنگ کار گروهی مشوق اعضای هیأت علمی در دانشگاه به منظور افزایش مشارکت آنان در برنامه ریزی درسی آموزش عالی توصیه می گردد.
- ۳- توجه به دارا بودن دانش، تجربه و نگرش مثبت اعضای هیأت علمی به برنامه ریزی درسی آموزش عالی و برگزاری کارگاه های آموزشی در زمینه برنامه ریزی درسی آموزش عالی و شرکت در همایش های مرتبط به منظور افزایش مشارکت آنان در برنامه ریزی درسی آموزش عالی نیز توصیه می گردد.

منابع

- ۱- قدسی، مریم (۱۳۸۱). «بررسی راهکارهای مشارکت اعضای هیأت علمی دانشکده‌های علوم تربیتی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در برنامه ریزی آموزشی و درسی»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- ۲- آراسته، حمید رضا (۱۳۸۲). «نقش آموزش عالی در چشم انداز توسعه ایران ۱۴۰۴»، فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی ره‌یافت، شماره ۳۱، پاییز و زمستان.
- ۳- داوری اردکانی (۱۳۷۷). «تغییر در ساختار آموزش عالی و جایگاه هیأت امناء» خبرنامه آموزش عالی شماره ۶.
- ۴- ساکتی، پرویز (۱۳۸۱). «چالش‌های نوین برنامه ریزی درسی دانشگاهی»، میزگرد چالش‌های آموزش عالی ایران انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- ۵- سرمد، زهره و وزیری، مژده (۱۳۷۷-۱۳۷۶) «شاخص‌های کیفیت برنامه درسی در آموزش عالی» فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۲۴ و ۲۵.
- ۶- سیاری، علی اکبر (۱۳۷۳). «تحلیلی بر برنامه ریزی آموزش عالی کشور» انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی و معاونت آموزش وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ۷- فراستخواه، مقصود (۱۳۷۷). «دانشگاه و جامعه»، انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- ۸- گزارش ملی آموزش عالی ایران (۱۳۷۹). انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی و انتشارات فرهنگ دهخدا.

- ۹- Braskamp .A. Larry , ory .c. john (۱۹۹۴) Assessing Faculty Work . John Wiley publisher.ltd.
- ۱۰-Gaff G jerry, ratcliff l.james and Associates (۱۹۹۶). Handbook of undergraduate curriculum. John Wiley publisher.ltd.
- ۱۱-helton s . patricia (۲۰۰۰) Factors that influnce Higher Education Faculty involvement in curriculum and insruction. in Partial FullFillment of The Requirements For The Degree Doctor of Philosophy .university of Virginia

- ۱۲- mazzoli j Andrew(۲۰۰۰) Faculty perceptions of influence on the curriculum in higher Education. submitted in partial Fullfilment of requirements for the Degree of Doctor of philosophy . university of south carolina.
- ۱۳- stark j.s And others(۱۹۹۰). Planing introductory collage course:influnces on Faculty. university of michigan .

Archive of SID